

مصاحبه با آقای علیرضا محسنی مدیر عامل شرکت تولیدی بازرگانی کم جا چوب

توسط فاطمه فیوجی عضو همیار کار آفرین

از دبیرستان دخترانه بنت الهدی صدر



ضمن عرض سلام، جناب آقای محسنی بسیار متشکرم که وقت خود را در اختیار اینجانب قرار دادید. من فاطمه فیوجی از اعضای طرح همیار کار آفرین هستم. خداوند را شاکرم که به واسطه این دوره‌ی کار آفرینی که به نام طرح همیار کار آفرین توسط مجتمع فنی ایرانیان با پشتیبانی موسسه کار و تامین اجتماعی در ۱۱ مدرسه شهر تهران برگزار می‌گردد، با حضرتعالی آشنا شدم و در این فرصتی که به بنده داده‌اید، چند سوال از خدمتتان دارم که اگر اجازه دهید با:

۱- معرفی خودتان مصاحبه را شروع کنیم؟ من علیرضا محسنی هستم مدیر عامل شرکت تولیدی بازرگانی کمجا چوب.



۲- چه زمانی و تحت چه شرایطی به کارآفرینی علاقه‌مند شدید؟ فکر می‌کنم از ۱۷ و

۱۸ سالگی از همان موقع دوست داشتم یک کار تولیدی داشته باشم.

۳- کمی از شرح حال وضعیت خودتان پیش از کارآفرینی برایمان بگویید؟

بینید من در یک خانواده‌ی کاسب به دنیا آمدم. پدرم کاسب بود و برای خودش کار

می‌کرده و در آن موقع در سال ۴۵ و ۴۷ شرایط بازار طوری بود که خیلی‌ها دوست

داشتن برای خودش کار کنند، یعنی کاسب باشند یا این که یک مجموعه‌ای را خودش

اداره کنند و از همان موقع من اصلاً به فکر کارمندی یا برای دیگران کار کردن نبودم.

موقعیت و وضعیت خانوادگی شما از لحاظ مالی تغییر پیدا کرده است؟

بله، فرق می‌کند.

آیا برای خودتان الگو هم داشته اید؟

حقیقتش آن موقع خیر، ولی الان چرا بعد از این که شروع کردم کسانی که واقعاً پیشرفت

کرده بودند، برای من الگو بودند.

افرادی که الگو قرارشان داده اید، چه تاثیری بر زندگی شما گذاشته‌اند؟

خوب، واقعاً وقتی کسی معلمش برایش الگو است پس رفتار آن برایش الگو می‌شود.

در آن زمان خیامی که صاحب کارخانه‌ی ایران خودروی قدیم بود برای ما الگو بود. این شخص در سال ۳۰، ۲۵ یک آدم عادی و یک کارمند بود. ولی در عرض ۲۰ سال چنین کارخانه‌ی بزرگی را راه انداخته بود. آن موقع کارخانه‌ها شخصی بودند و دولتی نبود و کارخانه برای خود آقای خیامی بود و چنین اشخاصی برای ما الگو بودند.

می‌تونم بپرسم اولین محصولی که تولید کردید چه بوده است؟ اولین محصولی که به عنوان تولید باشد یک سری کتابخانه و میز تحریر برای اتاق خودم بود. خودتان درست کردید؟ بله.

سرمایه اولیه شما برای این کار چقدر بوده است؟ تقریباً صفر.

چقدر طول کشید که شما این سیستم را تشکیل داده‌اید؟ این سیستم جدید حدود ۱۵ سال چون من قبلاً در سال ۵۴ تا ۶۰ خودم تولید کابینت آشپزخانه را داشتم. از سال ۶۰ تا ۷۰ مدیر دولتی شرکت مبیل ایران بودم در یک کارخانه‌ی دولتی بود که آن هم برای یک از برادران خیامی بود. و مبیل تولید می‌کردن. ۱۰ سال آنجا بودم و بعد هم آمدم در شرکت کمجاچوب.

چه اهدافی داشتید؟ این را بدان که همیشه اول عشق به کار تولید و انگیزه است. و من کار تولید را دوست داشتم. کار چوب، (مبیل و صندلی) هم یک نوع هنر است، مثل فرش. البته بخشی از آن هنری و بخشی صنعتی است.

در سال ۷۰ که ما می‌خواستیم دوباره شروع کنیم احساس کردم که مخصوصاً در تهران در شهر بلور برای بهتر استفاده کردن از فضای داخلی خانه باید یک فکری کرد.



الان فکر می‌کنید که به اهدافتان رسیده‌اید؟ خیر، هنوز خیلی کار دارد.

از درآمد خودتان راضی هستید؟ نه، گفتم اگر عشق به کار نباشد، درآمد در مقابل آن هیچ است. خیلی از همکاران ما که کارهای معمولی‌تری می‌کنند مثلاً کار بازرگانی خیلی درآمدشان بیشتر از کسی است که تولید می‌کند.

اگر ممکن است تعداد همکاران و کارکنانتان را به ما بگویید؟ در بخش تولید چیزی حدود ۶۰ نفر و در بخش دفتری ۲۰ نفر.

میزان تحصیلات شما چقدر است؟ من لیسانس علوم بانکی هستم.

چه ارتباطی بین تحصیلات شما و شغلتان وجود دارد؟ هیچ ارتباطی وجود ندارد. ولی از نظر نگرش مالی، مطالب آموخته شده کمک شایانی به من کرده است.

از کامیابی‌ها و ناکامی‌های کسب و کار چه درسی گرفته‌اید؟ عرض کنم خدمت شما که ببینید شرایط اقتصادی مملکت خودمان و شرایط سیاسی در طول این زمینه که ۴۰ سال است من دارم کار می‌کنم خیلی افت و خیز داشته است و من خیلی دلم می‌خواست که جایی این کار را انجام بدهم که یک آرامش سیاسی و اقتصادی باشد.

چه توصیه‌ای برای افرادی دارید که رویای کارآفرینی در سر دارند؟ هر کاری را که آدم بخواهد شروع کند تا عشق آن در وجودش نباشد و درونش آن را نخواهد نمی‌تواند انجامش دهد. ضمن این که من دوست دارم یک کاری را انجام بدهم. برای بچه‌های خود و برای شماها اگر همان عشق باشد، من فکر می‌کنم کارها درست می‌شود.

- در آخر باز هم تشکر می‌کنم که من را به حضور پذیرفتین و تجربیات خود را در اختیار ما قرار داده‌اید و امیدوارم که مخاطبانمان نهایت استفاده را برده باشند. و از اینکه شما را به عنوان کارآفرین موفق به این صورت شاداب و خوشحال می‌بینم به خود می‌بالم و سعی خواهم کرد با استفاده از تجربیات شما، همانند شما یک کارآفرین موفق باشم.

- من هم از شما تشکر می‌کنم.

- خواهش می‌کنم. انشاءالله که موفق باشید.